

## «القاعده و تروریسم مذهبی»

### مهدی بخشی شیخ احمد

بررسی منابعی که به مطالعه سازمان القاعده پرداخته اند نشان می دهد که هر کدام از منظر خاصی به این سازمان نگاه کرده و آن را از نقطه نظر خاص خود مورد کندوکاو قرار داده اند. در این میان سه دسته از نظریات وجود دارند که بیشتر از بقیه مورد توجه قرار گرفته اند:

دسته اول بر این باورند که ایدئولوژی القاعده و اعمالی که توسط این سازمان انجام می گیرد، مصداقی از نظریه برخورد تمدن های هانتینگتون است.

دسته دوم نظریه هایی می باشد که این سازمان را پدیده ای مدرن قلمداد کرده و حتی در بعضی موارد ایدئولوژی القاعده را بیشتر از آن که ریشه دار در آموزه های اسلامی بدانند، متأثر از اندیشه چپ اروپایی در نظر می گیرند. دسته سوم نیز از بعد مذهبی به سازمان نگاه کرده و ایدئولوژی آن را تحت عنوان تروریسم مذهبی بررسی کرده اند. پژوهش حاضر نیز همین دیدگاه اخیر را مورد تأکید قرار می دهد.

#### • برخورد تمدن ها

"ساموئل هانتینگتون" در مقاله ای که در سال ۱۹۹۳ و با عنوان "برخورد تمدن ها" نوشت و بعدها به صورت کتاب در آمد، مدعی شده است که عامل اصلی درگیری در دنیای جدید پس از جنگ سرد نه ایدئولوژیکی و یا اقتصادی، بلکه فرهنگی خواهد بود.

"دولت ملت ها همچنان قدرتمندترین بازیگران صحنه جهانی باقی خواهند ماند، اما درگیری های اصلی سیاست های جهان بین ملت ها و گروه های مختلف تمدنی رخ خواهد داد." به عبارت دیگر، برخورد تمدن ها بر سیاست های جهانی احاطه خواهد کرد و در این میان دو تمدن، بازیگران اصلی این نبرد خواهند بود که طبق پیش بینی هانتینگتون عبارتند از: اسلام و غرب. (۱)

---

۱. Samuel P. Huntington, "The Clash of Civilization?", Foreign Policy, Vol. ۷۲, No. ۳

(Summer ۱۹۹۳, P۲۲-۲۴) P ۲۲; and: Samuel P. Huntington, The Clash of Civilization and the Remaking of World Order (New York: Simon and Schuster, ۱۹۹۶) P ۲۰, ۲۸-۲۹.

بنا به روایت وی بعد از معاهده صلح وستفالی ، درگیری های به وجود آمده در غرب بین پادشاهان و حکام تا انقلاب فرانسه ادامه پیدا کرده ، اما بعد از انقلاب فرانسه که کشورهای مختلف اقدام به ملت سازی کردند ، درگیری ها عوض شده و به جنگ بین ایدئولوژی ها تبدیل شد . این نبرد تا پایان جنگ سرد ادامه پیدا کرد . از نظر هانتینگتون این سه درگیری در داخل تمدن غرب اتفاق افتاده است و می توان از آنها تحت عنوان " جنگ داخلی غرب " یاد کرد . بعد از جنگ سرد دوباره نوع درگیری ها عوض می شود ، منتها این بار درگیری بین غرب و تمدن های غیر غربی و نیز بین خود تمدن های غیر غربی رخ خواهد داد . (۱)

---

۱. Ibid, P ۲۳.

هانتینگتون معتقد است که هفت تا هشت تمدن اصلی در جهان معاصر وجود دارد که عبارتند از : تمدن های غربی ، کنفوسیوسی ، ژاپنی ، هندی ، اسلامی ، امریکای لاتین و شاید افریقایی ، مهمترین اختلافات آینده بین خطوطی رخ خواهد داد که این تمدن ها را از یکدیگر جدا می کند ، وی عوامل اصلی این اختلافات را در شش مورد خلاصه می کند . (۱)

---

۱. Ibid, P ۲۵-۲۷.

عامل اول به تفاوت های بنیادین بر می گردد که در بین تمدن ها وجود دارد . این تفاوت ها جنبه های مختلفی از قبیل تاریخی ، فرهنگی ، زبانی ، سنتی و مهمتر از همه مذهبی را شامل می شود که در طول قرون متمادی به وجود آمده و به این سادگی ها از بین نخواهد رفت . این تفاوت ها بنیادی تر از تفاوت های موجود بین ایدئولوژی های سیاسی و رژیم های سیاسی می باشد .

عامل دوم به کوچک تر شدن جهان و افزایش تعامل بین مردمان تمدن های مختلف مربوط می شود . در نتیجه چنین برخوردهایی ، آگاهی تمدن های مختلف از یکدیگر بیشتر شده و مردم نیز به تفاوت های موجود بین خود بیشتر واقف می شوند . این عامل باعث می شود تا مردم به بررسی تاریخ گذشته خود و علل عقب ماندگی شان نسبت به غرب بپردازند .

عامل سوم بروز درگیری بین تمدن ها ، پروژه های مدرنیزاسیون اقتصادی و تغییرات اجتماعی می باشد که در سراسر دنیا مردم را از هویت های دیرینه محلی خود جدا کرده است . در بسیاری از موارد این فضای خالی ایجاد شده توسط مذهب پر شده و به جنبه های بنیادگرا تبدیل می شود .

عامل چهارم عبارت است از این که رشد آگاهی های تمدنی توسط نقش دوگانه غرب افزایش می یابد. از یک سو غرب در نقطه اوج قرار گرفته است و می خواهد دنیای غیر غربی را به دلخواه خود تغییر دهد و از طرف دیگر ملت های غیر غربی می خواهند فرهنگ بومی خود را حفظ کنند. نتیجه چنین برخوردی باعث شده تا مردم و نخبگان کشورهای غیر غربی به امریکا زدایی و غرب زدایی فرهنگ خود بپردازند.

عامل پنجم به نوع تفاوت های موجود مربوط می شود، تفاوت های فرهنگی کمتر از تفاوت های سیاسی و اقتصادی قابل تغییر بوده و در نتیجه مشکلات ناشی از آن نیز به راحتی حل پذیر نمی باشد.

ششمین عامل و آخرین عامل نیز افزایش همکاری های اقتصادی محلی می باشد، این همکاری ها ریشه در تمدن و فرهنگ منطقه دارد.

ساموئل هانتینگتون بعد از ذکر این دلایل به این نتیجه می رسد که برخورد تمدن ها در دو سطح رخ خواهد داد: نخست در "سطح خرد" بین گروه های هم مرزی به وجود خواهد آمد که در داخل خطوط تمدن ها قرار گرفته اند و در اغلب موارد با استفاده از خشونت می خواهند بر منطقه و یکدیگر تسلط پیدا کنند.

دوم در "سطح کلان" نیز بین دولت هایی از تمدن های مختلف رخ خواهد داد که برای تسلط بر مؤسسات بین المللی و نیز افزایش توان نظامی و اقتصادی با هم به رقابت و مبارزه خواهند پرداخت. (۱)

---

۱. Ibid, P ۲۹.

در ادامه خطوط درگیری ها در مناطق مختلف جهان را مورد بررسی قرار داده و پیش بینی می کند که کانون مرکزی درگیری در آینده نزدیک بین غرب و دولت های متعدد اسلامی کنفوسیوسی خواهد بود، چرا که به زعم هانتینگتون در نظم جدید جهانی، ارتباطات موجود بین تمدن های اسلامی و کنفوسیوسی چالش جدیدی را برای علایق، ارزش ها و قدرت غرب به وجود آورده است. (۱)

---

۱. Ibid, P ۴۵-۴۸.

بعد از این که هانتینگتون تئوری خود را ارائه کرد، بحث هایی درباره تئوری وی به وجود آمد که در بیشتر موارد نظریات وی را رد کردند. اما حملات ۱۱ سپتامبر باعث شد که بحث پیرامون تئوری وی بالا بگیرد. عده ای نیز در تأیید تئوری "برخورد تمدن ها" این حملات را گواهی بر وجود چنین برخوردی قلمداد کردند.

## ۱. برخورد تمدن ها و پیدایش القاعده

" یورام وایتز " و " شاول شای " معتقدند که اسلام رادیکال در چهار سطح ، علیه فرهنگ های خارجی در حال جنگ می باشد . سطح اول نبرد اسلام رادیکال برای برانداختن رژیم های سکولار کشورهای اسلامی و جایگزینی آنها با رژیم های اسلامی است .

سطح دوم نبرد اقلیت های مسلمان برای به دست آوردن استقلال و استقرار دولت اسلامی مستقل می باشد . نبرد علیه اقلیت های قومی \_ فرهنگی که خواهان خود مختاری و یا استقلال از کشورهای اسلامی می باشند ، سومین سطح است . چهارمین سطح نبرد علیه فرهنگ های خارجی ، نبرد علیه فرهنگ غربی است که با فرهنگ اسلامی برخورد داشته و مخالف یکدیگر می باشند . (۱)

---

۱. Yoram Schweitzer and Shaul Shay, The Globalization of Terror. The Challenge of Al-Qaeda and the Response of the International Community (New Brunswick (USA) and London: Transaction Publishers, ۲۰۰۳) P ۲۰.

این دو نویسنده با استفاده از تئوری برخورد تمدن های هانتینگتون بر این باورند که نوعی از ترور اسلامی که القاعده به راه انداخته و " جنگ علیه ترور " که ایالات متحده بعد از حملات یازده سپتامبر اعلام کرده است ، برخوردی فرهنگی بوده و در دو حوزه به وقوع پیوسته است : در حوزه اول بین فرهنگ محلی و فرهنگ های دولت محور و در حوزه دوم نیز بین فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی رخ داده است . (۱)

---

۱. Ibid, P ۴۲.

به نظر آنها حتی اهدافی نیز که در ۱۱ سپتامبر انتخاب شده بودند نشان از چنین برخوردی دارند ، برج های دوقلو نشانه قدرت اقتصادی و پنتاگون نیز سمبل قدرت نظامی بود . " این حملات نشان دهنده برخورد ایالات متحده و مفهوم شهری آن با اسامه بن لادن و مفهوم بدوی وی می باشد . " (۱)

---

۱. Ibid, P ۵۱-۵۲.

## نقد

بررسی تئوری برخورد تمدن ها و نظریات گوناگون ارائه شده درباره آن نشان می دهد که نمی توان درگیری بین القاعده و غرب را در قالب این تئوری بررسی کرد. از نظر " جفری هاینز " استاد دانشگاه متروپلیتن لندن ، کسانی که حمله القاعده به برج های دوقلوی تجارت جهانی را به مثابه شهادی بر وجود برخورد تمدن ها در نظر می گیرند ، سخت در اشتباهند .

وی معتقد است که نقدهایی اساسی بر این گونه نظریات وارد است : اول این که فرقه های مختلفی در اسلام وجود دارند که تنها یکی از آنها دست به حمله زده است و بعضی از فرقه های آن حتی بیش از مسیحیت یا لیبرال \_ دموکراسی سازگاری دارند . (۱)

---

۱. Mark Sedgwick, "Sects in the Islamic world" , available at:

<http://www.caliber.vcpress.net/doi/pdf/۱۰.۱۵۲۴/nr.۲۰۰۰.۳.۲> ۱۹۵.

دوم این که حملات یازدهم سپتامبر از سوی هیچ دولت و یا گروه دولتی مورد حمایت قرار نگرفته و توسط سازمان تروریستی بین المللی القاعده انجام گرفته است . سوم این که ایده برخورد تمدن ها یا مذاهب مشکل آفرین است ، چرا که در واقعیت امر جداسازی کامل مرزهای تمدن های مختلف خیلی مشکل و حتی غیر ممکن است . تصور هانتینگتون از برخورد تمدن ها ، مفهوم غیر قابل تمییز می باشد .

سرانجام این که نظریه برخورد تمدن ها این موضوع را نادیده گرفته است که گروه های تندرو انقلابی اسلام گرا و تروریسم القاعده در وهله اول دولتهای فاسد ، غیر مشروع و ناکارآمد کشورهای خود را مورد حمله قرار داده اند . از دهه ۱۹۷۰ و گسترش اسلام گرایی در دنیای اسلام ، بیشتر آنها به دنبال ساقط کردن دولت های تحت حمایت غرب و به ویژه امریکا بوده اند . (۱)

---

۱. Jeffrey Haynes, "Understanding Contemporary Islamic Militancy: The Case of Al-Qaeda", available at: <http://www.sgir.org/conference۲۰۰۴>; and Jeffrey Haynes, "Al-Qaeda: Ideology and Action", paper prepared for the ECPR Joint Sessions Of Workshops, Uppsala, April ۲۰۰۴, available at: <http://www.essex.ac.uk/acpr/events/jointsessions/paperarchive/Uppsala/ws۲/Haynes s.pdf>.

"فرانسیس رابینسون" نیز در مقاله ای با عنوان "اسلام و غرب، برخورد تمدن ها؟" با برشمردن شرایطی که منجر به وضعیت کنونی دنیای اسلامی شده است، نظریه برخورد تمدن های هانتینگتون را رد کرده و اعلام می دارد که اگر برخوردی وجود داشته باشد، برخورد میان مؤمنین و خدا و کافران می باشد. به نظر وی اسامه بن لادن جزو سنت طولانی مدت مخالفت با غرب می باشد که تنها تفاوتش با دیگران در این است که اعتقادات خود را عملی کرده است. (۱)

---

۱. Francis Rabinson, "Islam and the West: Clash of Civilization?" ,  
available at: <http://www.rsaa.org.uk/Rabinson.pdf>.

دکتر "لیز ودین" استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو نیز نظریه برخورد تمدن ها را رد کرده و سه نقد اساسی بر آن وارد می کند: اول این که این ایده پروسه تاریخی به وجود آمدن مذهب رادیکال را که پدیده ای تازه می باشد، نادیده می گیرد. دوم این که داستان برخورد تمدن ها هیچ توجهی به جامعه مسلمانان و معنای واقعی اسلام و نقش سیاسی آن ندارد و سوم این که ایده هانتینگتون، اتحاد و همبستگی موجود بین مسلمانان و غیر مسلمان را که در طول تاریخ وجود داشته است، نادیده می گیرد. (۱)

---

۱. Lisa Wedeen, "Beyond The Crusaders: Why Huntington, and Bin Laden, Are Wrong:,"  
Middle East Policy, Vol.X, No. P ۵۴-۶۱ (Summer ۲۰۰۳) P ۵۴.

به اعتقاد وی واژه بنیادگرایی که گاهی برای اطلاق به مذهب رادیکال به کار می رود، ربطی به اسلام نداشته و ریشه در سنن کهن اسلامی ندارد. جنبش های اسلام گرایی معاصر جزئی از پدیده های جهانی می باشند که به اواخر دهه ۱۹۷۰ بر می گردند. (۱) در واقع اسلام گرایی به دکتترین ضد امپریالیستی تبدیل شده است که می خواهد جامعه اسلامی را دوباره مستقر سازد. (۲)

---

۱. Ibid, P ۵۵.

۲. Ibid, P ۵۶.

## ۲. پدیده ای مدرن

گروه دیگری از نظریاتی که پیرامون القاعده ارائه شده است آن را پدیده ای مدرن و ریشه های آن را در تحولات چند دهه اخیر ذکر می کنند. "جان گری" استاد جیزس کالج آکسفورد، ضمن رد نظریه برخورد تمدن ها، اعتقاد دارد که خشونت اسلام رادیکال هیچ ربطی به نظریه برخورد تمدن ها ندارد. (۱)

---

۱. John Gray, Al Qaeda and What It Means to Be Modern

(New York and London: The New Press: ۲۰۰۳) P ۱۱۶-۱۱۷.

به نظر وی جوامع غربی بر این باور بودند که مدرنیته شکل واحدی داشته و در هر مکانی یکی بوده و خواهد بود. به همان اندازه که جوامع بیشتر مدرن می شوند، شباهت بیشتری نیز به یکدیگر پیدا خواهند کرد. در حین مدرن شدن، ارزش های غربی را نیز اقتباس می کنند، "از جمله ارزش های روشن گری را و همان طور که ما در مورد آنها فکر می کنیم، آنها نیز در مورد ارزش های غربی نظر مشابهی خواهند داشت."

"جان گری" معتقد است که القاعده که سازمانی مربوط به گذشته و قرون وسطی نیست، بلکه محصول جانبی جهانی شدن می باشد، در حالی که کارتل های دارو و همکاری های تجاری بین المللی شده است، جرائم سازمان یافته نیز بعدی جهانی به خود گرفته اند. "هر کسی که در مورد مدرن بودن ترور انقلابی شک کند، بی تردید هیچ اطلاعی از تاریخ معاصر ندارد." (۱)

---

۱. Ibid, P ۱-۲.

در ادامه، "جان گری" به نظر اثبات گرایان می پردازد. از نظر آنها به همان اندازه ای که جامعه بر پایه علم شکل می گیرند، به همان اندازه نیز به یکدیگر شباهت بیشتری پیدا می کنند. آگاهی علمی، جهانی اخلاقی می سازد که در آن هدف هر جامعه ای تولید تا حد ممکن خواهد بود.

در پی استفاده از تکنولوژی، قدرت بشر برای استفاده از منابع زیر زمینی و غلبه بر اشکال پیچیده طبیعت بیشتر خواهد شد. فقر و جنگ از بین می رود و از طریق قدرتی که توسط علم به وجود خواهد آمد بشریت خواهد توانست که دنیای جدیدی بسازد. منتها همیشه در مورد طبیعت این دنیای جدید اختلاف نظر وجود داشته است. برای مارکس و لنین یک آنارشی بی طبقه برابر و برای فوکویاما و نئو لیبرال ها بازار آزاد جهانی خواهد بود.

بعد از فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی، این عقیده تسلط پیدا کرد که تنها سبک امریکایی کاپیتالیسم دموکراتیک به طور واقعی مدرن است و باید در همه جای دنیا پخش شود. به اعتقاد آنها در نتیجه چنین عملی، تمدنی جهانی به وجود خواهد آمد و تاریخ به پایان خود خواهد رسید.

به نظر "جان گری" این عقیده بسیار خیالی بوده و اشتباه می باشد و همانند کمونیسم و نازیسم، اسلام رادیکال نیز مدرن می باشد. اسلام رادیکال ضد غرب بوده و بیشتر از سنت های اسلامی شکل ایدئولوژی غربی را به خود گرفته است. همانند مارکسیست ها و نئولیبرال ها، اسلام گراهای رادیکال نیز تاریخ را مقدمه ای بر دنیای جدید تصور می کنند.

بین دنیای جدیدی که توسط القاعده ترسیم می شود و پروژه های خیال پردازانه مارکس، لینن، مائو و نئولیبرال ها که اخیراً پایان تاریخ را اعلام کرده اند، هیچ تفاوتی وجود ندارد. (۱)

---

۱. Ibid, P ۲-۴.

"جان گری" بر این باور است که در دنیای معاصر سه جنبش مدرن وجود دارد که به غرب حمله کرده و ارزش های آن را زیر سؤال برده اند: اول کمونیسم شوروی، دوم ناسیونال سوسیالیسم و سوم بنیادگرایی اسلامی و یا اسلام رادیکال. (۱)

---

۱. Ibid, P ۵.

وی دلایل مدرن بودن سازمان القاعده را در سه مورد ذکر می کند: دلیل اول به درک درست شکننده بودن اقتصاد غرب از سوی القاعده مربوط می شود. در صورتی که سازمان القاعده بر سعودی ها پیروز شود و منابع نفتی را تحت تسلط خود در آورد، به راحتی می تواند اقتصاد غرب را تهدید کند.

دلیل دوم، استفاده القاعده از تبلیغات رسانه ای می باشد. حمله به برج های دوقلوی سازمان تجارت جهانی از سوی القاعده نشان می دهد که این سازمان به درستی فهمیده است که در جنگ های قرن بیست و یکم حرف اول را استراتژی استفاده از رسانه می زند.

دلیل سوم مدرن بودن القاعده، ساختار سازمان است. ساختار القاعده بیشتر به حزب های انقلابی سده بیستم شباهت دارد تا کارتل های قاچاق دارو؛ به همین دلیل نیز می توان آن را یک سازمان "جهانی چند ملیتی" نامید. (۱)

---

۱. Ibid, P ۷۵-۷۶



طی گزارشی که سرویس اطلاعات کنگره ایالات متحده (CRS) در ۲۳ می ۲۰۰۳ به کنگره ارائه داد، سازمان القاعده بعد از حملات به افغانستان و پایگاه های القاعده هنوز هم توانایی حمله بزرگ به اهداف غربی را دارد. طبق این گزارش به دلیل این که شخص بن لادن قبل از تشکیل این سازمان در فعالیت های تجاری بود، سازمان را طوری طراحی کرده است که با هر حمله ای توانایی بازسازی و بازیابی دوباره خود را داشته باشد، به نقل از:

Audrey Kurth, "Al-Qaeda After Iraq Conflict", CRS Report for Congress, May ۲۳, ۲۰۰۳, Order Code: RS ۲۱۵۲۹, available at:

[http://www.rialdi.org/LRAQ/mil\\_al\\_qaeda\\_۲۰۰۴.pdf](http://www.rialdi.org/LRAQ/mil_al_qaeda_۲۰۰۴.pdf).

متفکران و نویسندگان متعدد دیگری نیز سازمان القاعده را پدیده ای مدرن دانسته، آن را نتیجه شکست مدرنیزاسیون در برآورده کردن تعهداتش می دانند. مقاومت اسلام گرایی معاصر بعد از گذشته دهها از استقلال کشورهای اسلامی شروع شده است. به عبارت دیگر تغییر ساختار قدیمی جوامع توسط دولت هایی که می خواستند ارزش های این جوامع را با شعارهایی از قبیل ناسیونالیسم تغییر دهند، باعث شده تا مقاومت های اسلامی بیشتر شود. (۱)

---

۱. David Zeidan, "The Islamic Fundamentalism View of Life as a Perennial Battle". Middle East Review of International Affairs, No. ۴, PP. ۲۶-۵۳ (December ۲۰۰۱) P. ۲۶-۲۷, also available at: Barry and Judith Rubin, *Anti-American Terrorism and the Middle East* (Oxford University Press, ۲۰۰۲) PP. ۱۱-۲۶; Richard H. Shultz, "Is War! Fithing Post – ۱۱ September Global Terrorism Throught a Doctrine of Preemption", *Terrorism and Political Violence*, Vol. ۱۵, No. ۱, PP. ۱-۳۰ (Spring ۲۰۰۳) P. ۸; and: Jeffrey Haynes, "Religion and Politics: What The Impact of September ۱۱?", available at: <http://www.law.emory.edu/ihr /allessay.html>; and Bernard Lewis, *The Crisis of Islam: Holy War and Unholy Terror* (New York: The modern library, ۲۰۰۳) P ۱۱۸, ۱۳۲.

در واقع همان طور که "جیسون بورک" نیز خاطر نشان کرده است، برداشت اعراب از جهانی شدن "امپریالیسم نو" می باشد و با چیزی که غرب از آن تلقی می کند متفاوت است و القاعده یکی از هزاران جواب هایی است که به این مسئله داده شده است. (۱)

۱. Jason Burk, " Al Qaeda Today and The Real Rootd of Terrorism", Interview With Jason Burk. Terrorism Monior. Vol. I, Issue ۱۱. PP۱-۴ (February, ۲۰۰۴) P ۲.

" لی هریس " نیز از جنبه دیگری سازمان القاعده را مورد بررسی قرار داده و به عبارتی آن را مدرن قلمداد می کند . وی در مقاله ای با عنوان " ایدئولوژی تخیلی القاعده " مدعی می شود که اعتقادات و باورهای سازمان القاعده و اسلام رادیکال تخیلی بوده و به دور از واقعیت است .

به نظر " هریس " این ضعف عمومی بشریت است که همیشه می خواهد چیزهایی بیشتر از آن چه که برایش فراهم است به دست آورد و این فاصله یا فضای خالی را به وسیله دنیای تخیلی پر می کند . اشخاصی که خیال پردازی می کنند ، سایر مردم را هدف در نظر گرفته و به عوض این که آنها را " سوژه " در نظر بگیرند " ابژه " به حساب می آورند .

در دنیای تخیلی آنها سایر مردم نقشی را که آنها می خواهند ایفا می کنند . خیال پردازان همانند " دون کیشوت " تصور می کنند که قدرت زیاد و خارق العاده ای دارند . اگر شخص دیگری را به عنوان هدف فرض کنند طبیعی است که شخص مورد نظر را مشکل آفرین تصور کرده و سعی می کنند تا چنان مشکلی را بر طرف سازند . (۱)

---

۱. Lee Herreris, " Al-Qaeda's Fantasy Ideology" , Policy Review Online, August-September ۲۰۰۲. No. ۱۱۴, available at: <http://www.policyreview.org/AUG۰۲/harris.html>.

به نظر " هریس " شکی در این نیست که بیشتر خیال پردازان تاریخ عقاید خود را تحت لوای مذهب و زیر پوشش آن اعلام کرده اند . بعد از انقلاب فرانسه تغییری در ایدئولوژی خیال پردازانه روی داد و در آن ایدئولوژی های سیاسی از شعائر مذهبی به عنوان منبعی برای نمادهای تخیلی خود استفاده می کنند ، در نتیجه واقع گرایی گروه های سیاسی از بین می رود .

نمونه های زیادی از این خیال پردازی ها در تاریخ وجود دارد : خیال پردازی " ژاکوبین " در مورد احیای جمهوری رم ، خیال پردازی " موسولینی " در مورد احیای امپراطوری روم و خیال پردازی " هیتلر " برای بازگرداندن عظمت هزار ساله ژرمن ها از جمله این موارد می باشد . (۱)

---

۱. Ibid.

"لی هریس" ایدئولوژی تخیلی را ترکیبی از اندیشه های "ویلیام جیمز"، "ویلفرد دو پاره تو" و "ژرژ سورل" می داند. به اعتقاد وی حمله ایتالیای فاشیستی به اتیوپی به دلیل نیاز ایدئولوژی فاشیسم در پیروزی نشان دادن خود بود. ایدئولوژی اسلام رادیکال نیز در خیال پرداز متفاوتی، امریکا را هدف قرار داده است. اهداف انتخاب شده در یازده سپتامبر از روی محاسبات نظامی نبوده است، بلکه از آن رو انتخاب شدند که نشان دهنده قدرت جهانی آمریکا بودند. در واقع از نظر "هریس" اهداف انتخاب شده برای تغییر سیاست گذاری ایالات متحده نبوده است، بلکه به منظور تحت تأثیر قرار دادن خود تروریست ها بوده است. همان طور که حمله ایتالیا به اتیوپی به این دلیل بود که به ایتالیایی ها ثابت کند که آنها فاتحان جنگ هستند، هدف حمله یازده سپتامبر نیز این است که به عرب ها ثابت کند که اسلام رادیکال می تواند پیروز شوند. به دیگر سخن تروری که در این حادثه روی داد، محصول فرعی القاعده بود. (۱)

---

۱. Ibed .

"والر نویل" استاد فلسفه و علوم سیاسی دانشگاه کارلتون اوتاوا نیز از بعد دیگری به بررسی سازمان القاعده پرداخته است. به نظر وی شاخص ترین اندیشمند تأثیر گذار بر روی گروه های بنیادگرای اسلامی، فیلسوف آلمانی "مارتین هایدگر" است. به اعتقاد "هایدگر" تنها نازی ها می توانستند میراث گذشته آلمانی ها را باز گردانند. نازیسم برای پیشبرد اهداف خود و از بین بردن قفس آهنین مدرنیته و بازگشت به گذشته باشکوه، تکنولوژی را به خدمت گرفت. این دیدگاه از انقلاب پست مدرنیستی از سوی "هایدگر" به عقاید "ژان پل سارتر" و گروه های چپ فرانسه به بعد از جنگ جهانی انتقال یافته و حتی برای دفاع از استالنیسم و انقلاب فرهنگی چین، گسترش یافت. عقاید "سارتر" نیز در کتاب انقلابی و پست مدرنیستی، نویسنده الجزایری "فرانتس فانون" یعنی "مسکینان زمین" بازتاب یافت و از اینجا نیز به دنیال رادیکال های خاورمیانه وارد شد. به نظر "نوبل" بسیاری از اصول ایدئولوژی القاعده که به طور آشکاری در اعلامیه "اسامه بن لادن" برای جنگ علیه آمریکا در سال ۱۹۹۶ آمده است (۱)، ترکیبی است از اینگونه عقاید. (۲)

---

۱. Bin Laden, "Declaration of War Against Occupying The Land of The Tow Holy Places" (۲۶-۸-۱۹۹۶) available at: <http://www.azm.com/html/articles/declaration.html>.

۲. Waller R.Newell, " Postmodern Jihad: What Osama Bin Laden Learned From The Left?"

, The Weekly Standard (۱۱-۲۶-۲۰۰۱) available at:

[http://www.freerepublic.com/focud/f\\_news/۵۷۳۰۶۰/Posts](http://www.freerepublic.com/focud/f_news/۵۷۳۰۶۰/Posts).

همانند " هایدگر " که می خواست مردم آلمان به دوران میانه زندگی روستایی و جمهوری خون و روح برگردند ، و مدرنیته را نابود کنند و مثل " پل پلات " که می خواست مردم کامبوج به سال های ما قبل تاریخ برگردند ، " اسامه بن لادن " نیز رؤیای بازگرداندن دنیای خود به عصر طلایی اسلام (قرن هفتم میلادی) را در سر می پروراند . " فانون " اعتقاد داشت که انقلاب هرگز نمی توند با مذاکره و اعمال اصلاح طلبانه به اهداف خود برسد ، " اسامه بن لادن " نیز ترور را در ذات خود خوب و عملی درمانی تصور می کند . (۱)

---

۱. Ibid .

" حنیف جمیز الیور " ، اسامه بن لادن و سازمان القاعده را جزو پیروان " سید قطب " و نوعی از ایدئولوژی به نام قطبیسیم قرار می دهد . به نظر وی قطبیسیم هیچ ریشه ای در سنت اسلامی ندارد و بیشتر از آن که ریشه در قرآن داشته باشد ، از فلسفه معاصر غربی و اندیشه متفکرانی از قبیل " نیچه " ، " کیرکگارد " و " هایدگر " متأثر می باشد .

قطبیسیم همانند همه ایدئولوژی های بنیادگرا به طرز غیر قابل انکاری مدرن می باشد . (۱) به نظر وی پیروان قطب خوارج زمان هستند و همانند آنها قرآن و سنت را به دلخواه و شیوه خاص خود تفسیر به رأی می کنند . (۲)

---

۱. Haneef Jamis Oliver, The Wahhabi Myth, (۲۰۰۲) P ۹-۱۰, available at:

<http://www.rtaf.mi.th/publications/Terrorism/thewahhabimyth.pdf>.

۲. Ibid, P ۶.

با توجه به نظریاتی که القاعده را پدیده ای مدرن قلمداد می کنند ، به طور کلی همان طور که دکتر " بشریه " نیز ذکر کرده اند ، بنیادگرایی مذهبی ، شورشی بر مدرنیته و میراث روشن گری غرب بوده است .

بنیادگرایی ضد اصول مدرنیته بوده و در عوض از گرایش های رمانتیک غیر عقلی ، مطلق انگاری ارزشی ، جمع گرایی ، نخبه گرایی ، ترکیب مذهب و سیاست ، انضباط اجتماعی ، اقتدار گرایی ، حصر فرهنگی و نظارت اخلاقی بر جامعه حمایت کرده است .

در واقع بنیادگرایی پیش از پیدایش عصر مدرن متصور نبوده و از این رو به یک معنا حاصل مدرنیته و مدرنیسم است، هر چند به ضدیت با آن بلند شده است. از سوی دیگر بنیادگرایی گرایشی ابزاری به مدرنیته دارد، چرا که از نوسازی در حوزه های اقتصادی حمایت می کند، ولی در عین حال بنیادهای ارزشی و فرهنگی آن را نفی می کند. بدین سان، بنیادگرایی، سنت گرایی عصر مدرن است. پس می توان گفت که وجه مشترک همه جنبش های بنیادگرا، ضدیت با ارزش ها و اخلاقیات مدرنیته غربی و عصر روشن گری و ترس از وجوه فکری و فرهنگی جهان جدید بوده است. (۱)

---

۱. حسین بشریه، تاریخ اندیشه های لیبرالیسم و محافظه کاری، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۵-۱۹۳

به دیگر سخن، بنیادگرایان به دنیال این هستند که ساختارهای موجود را از میان بردارند و ساختار بدیلی را که از اصول مذهبی بر می خیزد و قانون، سیاست، جامعه، اقتصاد و فرهنگ را در بر می گیرد، جانشین آن کنند. بدین سان بنیادگرایی، بازسازی و به کارگیری دوباره سنت برای اهداف امروز می باشد. (۱)

---

۱. Steve Bruce, *Fundamentalism* (Cambridge: Polity, ۲۰۰۰) P ۴۰-۴۱

۳. تروریسم مذهبی (۱)، افراطیون مسلمان خشونت گرا (۲)

به نظر "الیور روی"، مسلمانان در مواجهه با پیشرفت و تهاجم تمدن غربی، سه نوع عکس العمل نشان داده اند: گروهی حسرت گذشته را خورده و معتقدند که این اسلام است که تمدن را برای غرب به ارمغان آورده است.

---

۱. این اصطلاح در ادبیات و رسانه های غربی در اشاره به نوعی از تروریسم است که عاملان آن برای مشروعیت بخشیدن به اعمال خود از مذاهب سوءاستفاده می کنند. در واقع خشونت طلبان در راستای متقاعد کردن پیروان خود و جنبه ای اخلاقی بخشیدن به حملات خود از مذهب استفاده ابزاری می کنند. نگاه کنید به: علیرضا طیب، تروریسم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲.

۲. اسلام گرای رادیکال یا افراطی خشونت گرا به کسی اطلاق می شود که می خواهد به منظور استقرار شریعت اسلامی، دولت موجود را با استفاده از خشونت و زور سرنگون کند. به نقل از:

Mohammad Ayoob, "Political Islam: Image and Reality", *World Policy Journal*. P ۱-۱۴ (Full

۲۰۰۴); also available at: <http://www.worldpolicy.org/journals/articles/wpj۰۴-۳/Ayoob.pdf>.

گروه دوم فرضه بالا را رد کرده و بر این باورند که هیچ دلیلی برای برتر دانستن ارزش های غربی وجود ندارد. گروه سوم نیز از اسلام دفاع کرده و عنوان می کنند که هر چیزی را که انسان نیاز دارد در قرآن و سنت وجود دارد و اسلام بهترین دین می باشد. دو گروه اول موضعی تدافعی داشته اند، اما گروه سوم حالت تهاجمی به خود گرفته است (۱)، القاعده در این دسته جای می گیرد.

---

۱. Oliver Roy, *The Failour of Political Islam*, Trans. By Carol Volk (London: I.B. Tauris, ۱۹۹۴) P

۱۱.

این گروه القاعده را جزو شاخه کوچک و تندرویی از اجتماع سلفی ها قلمداد می کنند که از استفاده از خشونت را برای بیرون راندن رهبرانی که پیرو اسلام نبوده و یا علیه آن فعالیت می کنند، مجاز می شمارند. از نظر "ویکتورویکز" و "کالتنر" این گروه که به جهادی ها معروفند، سایر روش ها را انکار نمی کنند، اما بر ضرورت استفاده از خشونت تأکید می کنند. این دو نفر، سه گروه دیگر را نام می برند که آنها را بر اساس تأکیدشان بر روی یکی از چهار روش تبلیغ در اسلام، تقسیم بندی می کنند. گروه اول بر دعوت صرف اکتفا می کنند. اینها پاکدامنی شخصی، پیروی از حدیث و گسترش اسلام رایج، تأکید می کنند. برای این گروه اعمال شخصی و فهم خالصانه اسلام در اولویت قرار دارد. گروه دوم بر این باورند که علما و وظیفه دارند تا رهبران سیاسی حاکم را در مورد مشروعیت و حقانیت اسلام نصیحت کنند. از نظر گروه سوم نیز وظیفه هر مسلمانی و به ویژه علماست که به طور آشکاری علیه اعمال و سیاست های عمومی غیر اسلامی وارد عمل شوند. این روش می تواند با استفاده از خطبه های نماز جمعه، نامه های سرگشاده، سخنرانی های عمومی، افشاگری ها و میتینگ های عمومی عملی شود. (۱)

---

۱. Quinton Wiktorowics and John Kaltner " Killing In The Name Of Islam: Al-Qaeda's Justification for September ۱۱", *Middle East Policy*, Vol. X, No. ۲, P ۷۶-۹۲ (Summer ۲۰۰۳) P ۷۸.

"روحان گوانارانتا" نیز معتقد است که برای بررسی جایگاه القاعده در بین گروه های اسلام گرا باید چهار گروه موجود که هر یک ویژگی های خود را دارند. مورد بررسی قرار گیرند: اول گروه های اسلام گرا انقلابی می باشند که به دنبال مشروعیت بخشیدن به کارهای خشونت آمیز خود هستند و از ایدئولوژی سید قطب استفاده می کنند.

جهاد اسلامی مصر ، حماس و جهاد اسلامی فلسطین از جمله این گروه ها هستند . گروه مسلح الجزایر تا زمانی که شروع به قتل عام عمومی نموده بود ، یک گروه اسلامی انقلابی محسوب می شد .

گروه دوم ، اسلام گراهای ایدئولوژیک هستند که از گفتمان سیاسی خشونت زای منسجم استفاده می کنند . گروه اسلامی مصر و جبهه آزادیبخش اسلام مورو ، از جمله این گروه ها به حساب می آیند .

سوم ، گروه های آرمان گرا می باشند که به دنبال از بین بردن نظم موجود هستند ، آنها در هر سطحی از محلی گرفته تا جهانی عمل می کنند و هرگز با دولت متحد نمی شوند . این گروه ها هیچگونه استراتژی سیاسی عقلانی ندارند و در دکترین آنها هیچگونه مذاکره ، صلح و گفتگو جایی ندارد . گروه مبارزان اسلامی لیبی در این دسته جای می گیرند .

القاعده نیز تا یازده سپتامبر جزو این گروه محسوب می شد ، گروه های اسلام گرای نوید بخش نیز چهارمین گروه موجود در بین اسلام گراها هستند که از خشونت جمعی استفاده می کنند . آنها اعتقاد راسخ دارند که از طرف خداوند برگزیده شده اند . دو گروه را جزو این دسته قرار می دهند : گروه اسلامی الجزایر و القاعده . (۱)

---

۱. Rohan Guanaratna, inside Al-Qaeda: Global Network of Terror (New Yoek:

Columbia University Press, ۲۰۰۲) P ۹۲-۹۳

موجی از خشونت که توسط تروریسم مذهبی به راه افتاده است ، نه تنها از نظر دامنه و اهداف انتخابی اش ، بلکه به خاطر ویژگی های متمایز و مرگ آورش ، بی سابقه است . همه کسانی که دست به تروریسم مذهبی می زنند ، معتقدند که اعمال آنها از طرف خداوند مقدس شمرده می شود .

صرف نظر از تفاوت هایی که افراط گراهای مذهبی از نظر ریشه ، دکترین ، سازمان و عملکرد با هم دارند ، همه آنها بدین خاطر خشونت مقدس را به کار می گیرند که یا از جامعه خود دفاع کنند و یا این که عقاید موعود باورانه و هزاره گر دارند . (۱)

---

۱. Magnus Ranstrop, " Terrorism In The Name Of Religion " , Journal of International Affairs,

Vol. ۵۰, No. ۱, P ۴۱-۶۲ (Summer ۱۹۹۶) P ۴۳ ; also available at:

<http://www.cianet.org/wps/ram-۱/>.

تقریباً یک چهارم گروه های تروریستی که در سراسر جهان فعال هستند، از علایق مذهبی برانگیخته شده اند. در واقع انگیزه آنها سیاسی می باشد و مذهب، صرفاً برای مشروعیت بخشی اخلاقی برای به کارگیری نیروها و اعضا به کار می رود.

به عبارت دیگر مردم برای دست زدن به اعمال خشونت آمیز به مشروعیت های اخلاقی نیاز دارد و مذهب چنین نیازی را برآورده می کند. گسترش این مشروعیت ها باعث می شود تا گروه های افراطی تهدیدات سیاسی را صبغه ای مذهبی ببخشند. (۱) همین امر باعث شده است تا تمایز قائل شدن بین حوزه مذهب و سیاست در گروه های تروریستی مذهبی مشکل باشد. (۲)

---

۱. M. A. Ashraf, " True Islamic Teachings Compared to Al-Qaeda's Doctrine" ,

The review of Religions, Vol. ۹۹, No. ۴, P۳۱-۵۲ (April ۲۰۰۴) P ۳۴.

۲. Ibid, P ۳۷. and ۱. Ranstrop. Op. Cit, P ۴۳

برای مثال در سال ۱۹۹۱ القاعده درصدد بود تا دولت عربستان سعودی را متقاعد کند که به جای استفاده از سربازان خارجی، از نیروهای کشورهای اسلامی برای بیرون کردن عراق از کویت استفاده کند، چرا که از نظر القاعده حضور سربازان غیر مسلمان در سرزمین دو مکان مقدس، غیر مشروع و غیر قابل قبول می باشد. (۱)

---

۱. برای بررسی بیشتر رجوع شود به اعلامه بن لادن در سال ۱۹۹۶؛ Bin Laden, Op. Cit

در بسیاری از موارد گروه های تروریستی مذهبی از دیدگاه ایدئولوژی کلی گرایانه برخوردارند، بدین معنی که دنیا را میدان نبرد میان خیر و شر می دانند. در همین راستا نیز از واژه گانی کیهانی و دیالکتیکی از قبیل مؤمنین در مقابل کافران، نظرم علیه هرج و مرج و عدالت علیه بی عدالتی استفاده می کنند. در نتیجه اکثر این گروه ها از سمبل های مذهبی برای جمع کردن مردم در اطراف خود استفاده می کنند. (۱)

---

۱. Ranstrop. Op. Cit, P ۴۹



آنها خود را مستضعفینی معرفی می کنند که برای احقاق حق خود علیه ستمگران قیام کرده اند و می خواهند ملت خود را یا از دست حاکمان ظالم و یا از دست دشمنان خارجی نجات دهند. با این همه به دلیل این که بیشتر تروریست های مذهبی تمایل دارند که شهروندان غیر نظامی را مورد هدف قرار دهند و هیچ توجهی به جنس و سن و اهداف ندارند، در نتیجه از سوی قسمت اعظمی از هم کیشان خود طرد می شوند. (۱)

---

۱. Ashraf, Op. Cit, P ۳۶

نوع جنگی نیز که تروریست های مذهبی به راه انداخته اند، ویژگی های منحصر به فردی دارد. این جنگ ها غیر عادی، غیر متعارف و غیر متمرکز شده اند. این گروه ها بر خلاف جنگ های سابق، هم دولت ها و هم ملت ها را هدف قرار می دهند. اعضای این گروه ها هیچ یونیفورمی نمی پوشند و اهداف خود را از میان مردم عادی انتخاب می کنند.

قوانین جنگی سابق نیز که دولت \_ ملت ها را تحت پوشش قرار می داد، نمی تواند تروریست ها و دولت های حمایت کننده از آنها را تحت سیطره خود در آورد. با این همه همان طور که ذکر شد مهمترین ویژگی این گروه ها که باعث شده است تا آنها و نوع جنگی را که به راه انداخته اند از موارد قبلی متمایز سازد، پایه های ایدئولوژی آنها یعنی مذهب می باشد. (۱)

---

۱. Shults, Op. Cit, P ۶-۷

عوامل متعددی در به وجود آمدن گروه های تروریستی مذهبی نقش دارند. یکی از عوامل عمده ایجاد تغییرات در محیط اطراف چنین گروه هایی می باشد. حوزه های مختلفی از قبیل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و روانشناختی آنها را تحت تأثیر قرار می دهد.

مروری بر پیدایش و گسترش گروه های تروریستی مذهبی نشان می دهد که تاکتیک ها و تکنیک های استفاده شده توسط آنها واکنشی به تغییرات گسترده محلی، منطقه ای و جهانی در طول چند دهه اخیر بوده است. تقریباً اکثر این گروه ها در طول چند دهه گذشته و از میانه های دهه ۱۹۶۰ به وجود آمده اند. (۱)

---

۱. Ranstrop, Op. Cit, P ۴۴-۴۵

برای مثال با گسترش مدرنیته ، دامنه سیطره غرب بر دنیای اسلام بیشتر شده و در نتیجه فقر و بدبختی نیز بیشتر شده است ، بسیاری از ایده های مطرح در دنیای اسلام از پان عربیسم گرفته تا سوسیالیسم در پیشبرد و گسترش صنعت و افزایش آزادی های سیاسی شکست خورده اند . (۱) در نتیجه بسیاری از مسلمانان مدرنیزاسیون را شکست خورده قلمداد کرده و آن را مترادف غرب و عامل مشکلات خود تصور نموده اند . (۲)

---

۱. Lewis, Op. Cit, P ۱۱۸

۲. Ibid, P ۱۳۲.

یکی دیگر از عوامل به وجود آمدن گروه های تروریستی مذهبی ، عرفی شدن جوامع می باشد . در همین راستا نیز اکثر گروه های تروریستی نام های مذهبی برای خود انتخاب می کنند . علاوه بر این ایدئولوگ های روحانی و اعمال شخصی آنها نیز همانند نیروی گریز از مرکز در جلب حمایت ، سازماندهی مکانیسم ها و تعریف دوباره ابزار و روش ها نقش غیر قابل انکاری ایفا می کنند . مشروعیت الهیاتی برای عملیات نیز از سوی آنها تأمین می شود. این اشخاص کنترل کاملی بر سیاست ها و اعمال نظامی سازمان اعمال می کنند . (۱)

---

۱. Ranstrop. Op. Cit, P ۴۶

حوادث کلیدی نیز یکی دیگر از عواملی است که اکثر گروه های تروریستی مذهبی به آن واکنش نشان می دهند . حمله به بیت الله الحرام در سال ۱۹۷۹ که آغاز سال جدید قمری (۱۴۰۰) بود از جمله این موارد می باشد . اشخاصی که در این حمله شرکت کردند بر این باور بودند که در آغاز قرن جدید قمری ، مهدی موعود برای اصلاح دین رسول خدا خواهد آمد . (۱)

---

۱. Ibid, P ۴۷.

برای استفاده و حمایت از خشونت مذهبی باید " دشمنان تعریف شده ای " وجود داشته باشند . مشخص کردن دشمن و تصمیم برای استفاده از خشونت علیه آنها به میزان و عمق بحرانی بستگی دارد که ایمان و جوامع گروه های تروریستی را تهدید می کند .

در سطح داخلی ممکن است که مخالفت ها به سمت فساد و بی عدالتی ها سیستم سیاسی و یا سایر جوامع مذهبی هدایت شود. در سطح خارجی نیز ممکن است علیه نیروهای خارجی که در جامعه حضور فرهنگی، اقتصادی و یا سیاسی دارند و تهدیدی علیه جامعه مذهبی چنین گروه هایی محسوب می شوند، تمرکز یابد.

برای مثال گرایش های ضد غربی و ضد اسرائیلی در میان تروریست های مسلمان، ریشه در میراث تاریخی فشار سیاسی غرب بر این جوامع و در نتیجه به حاشیه رانده شدن اجتماعی و اقتصادی این جوامع دارد.

از طرف دیگر افزایش ایدئولوگ های سکولار و غیر مشروع شدن نخبگان سیاسی و اقتصادی معاصر به ویژه بعد از شکست اعراب از اسرائیل در سال ۱۹۶۷ نیز در به وجود آمدن چنین گرایش هایی بی تأثیر نبوده اند. (۱)

---

۱. Ibid, P ۵۲-۵۳.

در حالی که شناسایی دشمن به تاریخ چند دهه گذشته بستگی دارد، اما تعیین مسیر عملیات های تروریستی توسط جنبش های نظامی علیه دشمنان خارجی به تغییرات سیاسی و ایدئولوژیکی منطقه مربوط می شود. انقلاب اسلامی ایران و اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۷۹ و مقاومت افغانی ها، از جمله تغییراتی بودند که در تعیین مسیر آینده گروه های تروریستی تأثیر شگرفی داشته اند. انقلاب ایران یک مدل انقلابی از اسلام فراهم کرد و باعث به وجود آمدن جنبش های اسلامی در منطقه شد که موجودیت رژیم های منطقه را با چالش جدی مواجه ساخت. (۱)

---

۱. Ibid, P ۵۳-۵۴.

شکست شوروی ها و اخراج آنها از افغانستان نیز باعث شد تا مجاهدین افغانی فروپاشی شوروی را نیز در راستای شکست از افغان ها تفسیر کنند. این امر باعث شد تا مجاهدین خود را برای شکست ابرقدرت دیگری نیز آماده کنند.

(۱).

---

۱. Lewis, Op. Cit, P ۱۶۱.

گروه های مذهبی از وسایل ، روش ها و زمان هایی استفاده می کنند که بیشترین تأثیر را داشته باشد . (۱) آنها در مقابل دشمنان ابرقدرت خود از عملیات های انتحاری استفاده می کنند . این عمل باعث می شود که سایرین نیز راه آنها را ادامه دهند .

---

۱. Ashraf, Op. Cit, P ۳۶.

حزب الله لبنان در سال ۱۹۸۳ علیه سربازان فرانسوی و امریکایی حاضر در لبنان از این وسیله استفاده کرد . نتایج به دست آمده به حدی غیر قابل انتظار بود که باعث شد تا حماس نیز برای تحت تأثیر قرار دادن فرایند صلح اسرائیل و فلسطین از آن استفاده کنند . (۱)

---

۱. Ranstrop, Op. Cit, P ۵۵.

اهداف انتخابی از سوی گروه های تروریستی مذهبی سمبولیک می باشد . این امر باعث می شود تا از سوی بیشترین تأثیر روانشناختی را بر روی دشمنان بگذارد و از سوی دیگر نیز اعتبار گروه های تروریستی را میان هواداران شان بالا ببرد . بعضی از موارد نیز از جمله حمله به توریست های خارجی اهداف چند منظوره انتخاب می شوند .

حمله به نهادهای مهم نیز از جمله اهدافی می باشد که به عمد از سوی چنین گروه هایی انتخاب می شود تا عکس العمل دشمن را در پی داشته باشد . حمله به مسجد الاقصی در سال ۱۹۸۲ از سوی تندروهای یهودی از جمله این موارد می باشد که از سوی متعصبین یهودی طرح ریزی شده بود تا بین یهودیان و مسلمانان جنگ به راه اندازد . (۱)

---

۱. Ibid, P ۵۵-۵۶.

زمانی نیز که از سوی گروه های تروریستی مذهبی برای حمله انتخاب می شود ، حساب شده است . این زمان ها طوری انتخاب می شوند که یا با ایام مذهبی خود این گروه ها تطابق داشته باشد و یا این که به تعطیلات مذهبی و ماه های مقدس دشمنان شان بی حرمتی شود .

برای مثال حمله نژاد پرستان سفید پوست به ساختمان فدرال اکلاهاماسیتی از سوی مصادف با دومین سالگرد حمله اف.بی.آی به شاخه این گروه در تکزاس و از طرف دیگر برابر بود با دویست و بیستمین سالگرد شروع انقلاب امریکا. (۱)

---

۱. Ibid, P ۵۶.

" دیوید سی. راپاپورت " عضو دپارتمان علوم سیاسی دانشگاه کالیفرنیا ، القاعده را تحت عنوان موج چهارم تروریسم مدرن یعنی تروریسم مذهبی مورد بررسی قرار داده است . (۱) وی گروه های تروریستی مدرن را به چهار گروه تقسیم کرده است که آنها را شبیه به یک چرخه در نظر می گیرد ، از نظر او هر کدام از این امواج بعد از به وجود آمدن و طی چرخه ای نابود می شوند . (۲)

---

۱. David C. Rapaport, "The Four Waves of Rebel Terror and September ۱۱" Anthropoetics ۸, No. ۱, P ۱-۱۹ (Spring and Summer ۲۰۰۲) also available at: <http://www.anthropoetics.ucla.edu/archive/apo۸۰۱.pdf>.

۲. امواج مورد نظر وی در وسط اقیانوس به وجود می آیند و هرگز با ساحل برخورد نمی کنند . واژه چرخه را در مقاله زیر به کار برده است :

David C. Rapaport, "Fear and Trembling: Terrorism in Three Religious Traditions", American Political Review, No. ۷۸ (۱۹۸۴) P ۶۷۲.

اولین موج که به " موج آنارشیستی " معروف است ، در دهه ۱۸۸۰ شروع شد و به مدت چهار سال ادامه پیدا کرد . به دنبال آن در دهه ۱۹۲۰ " موج ضد استعماری " شروع شد و عمدتاً در دهه ۱۹۶۰ از بین رفت . اواخر دهه ۱۹۶۰ " موج چپ جدید " متولد شد و تقریباً تا دهه ۱۹۹۰ به صورت لجام گسیخته ای ادامه یافت و هنوز هم در بعضی از کشورها نظیر سریلانکا ، اسپانیا ، پرو و کلمبیا گروه هایی از آن فعال می باشند . چهارمین موج یا " موج مذهبی " در سال ۱۹۷۹ شروع و حدود بیست الی بیست و پنج سال است که در جریان می باشد . (۱)

---

۱. Rapaport, "The Four Waves Of Rebel Terror and September ۱۱", P۲.

هر کدام از امواج ، تکنیک های خاص خود را دارند : موج اول با ترور ، موج دوم به وسیله حمله به اهداف نظامی ، موج سوم به هواپیما ربایی و موج اخیر که در حال حاضر نیز ادامه دارد با عملیات انتحاری از سایر امواج قابل تفکیک هستند . علاوه بر این زمینه ساز شروع هر یک از امواج ، معمولاً حوادثی سیاسی هستند که هم گروه های موجود در هر یک از امواج را ترغیب می کند و هم آمادگی جامعه را برای قبول خواست های آنها افزایش می دهد .

به نظر " راپاپورت " در سال ۱۹۷۹ سه حادثه سیاسی مهم در جهان اسلام رخ داد که چرخش سیاسی شگرفی را به وجود آورده و در به وجود آمدن موج چهارم دخیل بوده اند : انقلاب اسلامی ایران اولین حادثه بود . این انقلاب نشان داد که مذهب رنگ سیاسی به خود گرفته است .

دومین حادثه مقاومت افغانستان در مقابل شوروی بود که چنان ابرقدرتی را مجبور به ترک افغانستان کرد . در واقع این مقاومت نشانگر قدرت مذهب بود . اعتقاد به ظهور منجی در ابتدای قرن جدید هجری قمری که شروع آن سال ۱۹۷۹ بود ، سومین حادثه می باشد .

بر اساس یک حدیث قدیمی ، سال ۱۹۷۹ آغاز قرن جدیدی بود که در آن نجات دهنده ای آمده و خیزشی را برای اصلاح مسلمانان به وجود خواهد آورد . در اولین دقایق آغاز قرن جدید مسلمانان سنی به مسجد اعظم مکه حمله کردند که در نتیجه آن حدود ده هزار نفر زخمی شدند . (۱)

---

۱. Ibid, P ۹.

به اعتقاد " راپاپورت " با وجود این که در امواج قبلی نیز مذهب نقش مهمی داشته است " اما تنها در موج چهارم است که نقش بسیار متفاوت و مهمی ایفا می کند ، چرا که در موج های قبلی هدف اصلی ایجاد دولت مستقل سکولار بود و مذهب هیچ نقشی در دنیای بین المللی نداشت ، ولی در موج جدید مشروعیت های دنیای تثبیت شده جدید را تأمین کرده و اصول اساسی آن را شکل می دهد . " (۱)

---

۱. Ibid, P ۸.

از نظر وی با وجود این که سایر جوامع مذهبی از قبیل مسیحی ، یهودی ، سیک ها و بودایی نیز تروریست های خاص خود را به وجود آورده اند ، اما مهمترین مذهب در این موج ، اسلام است . (۱)

---

۱. Ibid, P ۹.

البته لازم به ذکر است که این نظریات از منظر غربیان به موضوع نگاه می کنند و دیدگاه نگارنده نمی باشد .  
به نظر وی " ترور و گروهان گیری که ویژگی عمومی موج سوم بود ، در موج چهارم مورد تأکید قرار گرفته است ، اما عملیات انتحاری بیشترین نوع حملات را تشکیل می دهد . " موفقیت هایی که این موج در استفاده از عملیات شهادت طلبانه به دست آورده است باعث شد تا ببرهای تامیل در سریلانکا نیز از آن استفاده کنند . علاوه بر این گروه های موج تروریسم مذهبی بیشتر از سایر گروه های قبلی به تأسیسات دولتی و نظامی که عمدتاً امریکایی نیز هستند ، حمله کرده اند .

"موج چهارم سازمانی را به وجود آورد که اهداف و نحوه یارگیری آن در تاریخ تروریسم منحصر به فرد است . این سازمان القاعده است که توسط اسامه بن لادن سعودی هدایت شده و حمایت مالی می شود . القاعده به دنبال ساختن دولتی واحد برای همه مسلمانان است ، دولتی که یک بار وجود داشته و توسط شریعت ، یعنی قوانین اسلامی ادامه می شده است . " (۱)

---

۱. Ibid, P ۱۰ .

" مارک سجویک " نیز القاعده را در قالب تئوری " تروریسم مذهبی " بررسی کرده است . به نظر وی القاعده بیشتر از آن که گروهی مذهبی باشد ، گروهی تروریستی به حساب می آید . وی با تفاوت قائل شدن بین اهداف نهایی و اهداف قابل دسترس معتقد است با وجود این که هدف نهایی القاعده ایجاد دولت و یا دولت هایی بر اساس شریعت اسلامی می باشد ، اما اهداف قابل دسترسی القاعده همانند سایر گروه های تروریستی مذهبی بیشتر از آن که مذهبی باشد ، سیاسی است . (۱)

---

۱. Mark Srdgwick, "Al-Qaeda and the Nature of Religious Terrorism",  
Terrorism and Political Violence, Vol. ۴, P ۷۹۵ - ۸۱۸, (Winter ۲۰۰۴) P۷۹۵-۸۱۴.

با توجه به مطالبی که ارائه شد می توان دو خصوصیت کلی برای گروه های تروریستی مذهبی ذکر کرد : اول این که دکترین آنها در پاسخ به تهدیدات سیاسی شکل گرفته و حالتی افراط گونه به خود می گیرد و دوم این که مشروعیت های مذهبی اراده شده توسط این گروه ها به دلیل تحریک و جذب اعضا و مبارزه با مخالفان می باشد .

(۱)

۱. Ashraf, Op. Cit, P ۳۲.

مروری بر سیر تاریخی شکل گیری دکترین القاعده نیز نشان می دهد که این سازمان جزو گروه های تروریستی مذهبی می باشد ، از نوشته های ابن تیمیه در قرن سیزده میلادی تا نوشته های ابوالاعلی مدودی ، سید قطب و در نهایت عبدالله اعظم همگی به اسامه بن لادن رسیده است . (۱)

---

۱. Ibid, P ۳۳.

علاوه بر عوامل عینی به وجود آمدن تروریسم مذهبی و به ویژه القاعده عوامل دیگری نیز در بعد اندیشه ای در به وجود آمدن این سازمان مؤثر بوده اند . " کریستوفر هنزل " سه دسته از اندیشه ها را در به وجود آمدن القاعده دخیل می داند : دسته اول شاخه ای از مذهب وهابیت است که از طریق شخص بن لادن به سازمان القاعده رسیده است که هنزل آن را " سلفی \_ وهابی های انقلابی " می نامد. شاخه ای دیگر از این مذهب در عربستان سعودی به دین رسمی تبدیل شده است .

دسته دوم ، اندیشه های مودودی می باشد که از یک طرف بر روی سید قطب تأثیر گذاشته است و از سوی دیگر مستقیماً و از طریق مدارس اسلامی پاکستان بر روی مجاهدین افغانی و بالطبع اعضای القاعده تأثیر گذاشته است . دسته سوم ، اندیشه های سید قطب است می باشد که از طریق " ایمن الظواهری " به القاعده رسیده است . (۱)

---

۱. Christopher Hanzel, "The Origins of Al-Qaeda Ideology", National Defense University of

U.S.A,

available at: <http://www.ndu.edu/nwc/writing/AY۰۴/awarspaers/nominated/۲۰ Paper-۴۰-hanzel.pdf>.

" مایکل دوران " استاد دانشگاه پریسون اعتقاد دارد که در بررسی ریشه های ایدئولوژیکی القاعده ، اولین نفری که بیشترین تأثیر را داشته است ، ابن تیمیه می باشد . با این حال عقاید وی توسط خود القاعده به دنیای مدرن وارد نشده است . بلکه این سید قطب است که اندیشه های او را در واژگانی تازه وارد دنیای اسلامی امروزی کرده است . (۱) " جفری هاینز " نیز ایدئولوژی القاعده را ترکیب اندیشه های محمد عبدالوهاب و سید قطب می داند . (۲)



۱. Michal Doran, "The Pragmatic Fanaticism of Al-Qaeda: An Anatomy of Extremism in Middle Eastern Politics", *Political Science Quarterly*, ۲۲-۶-۲۰۰۲, available at:

<http://www.Ibauza.net/doran.htm>.

۲. Jeffrey Haynes, "Understanding Contemporary Islamic Militancy: The Case of Al-Qaeda", Op.Cit; and: "Al-Qaeda: Ideology and Action", Op. Cit.

"عبدالوهاب مدب" بنیادگرایی را بیماری اسلامی دانسته و معتقد است که برای بررسی ریشه حوادث یازده سپتامبر باید به سال ۱۹۷۹ برگشت، در این سال از یک سو انقلاب اسلامی اتفاق افتاد و از طرف دیگر افغانستان توسط شوروی اشغال شد. این دو اتفاق باعث شدند تا حرکت های بنیادگرایی گسترش یافته و ایدئولوژی خود را بسط دهند. (۱)

---

۱. Abdelwahd meddeb, *The Malady of Islam*, Trans, By Pierre Joris and Am Reid

(New York: Basic Books, ۲۰۰۳) P ۳.

با این حال وی نقش عوامل عینی در به وجود آمدن القاعده را ناچیز قلمداد کرده است و از آنها به عنوان کاتالیزور یاد می کند. (۱) به نظر وی بعد از سرکوب بنیادگرای مصری توسط رژیم ناصر، کشورهای اسلامی عربی درهای خود را بر روی تحصیل کرده ها الازهر گشودند. در نتیجه بنیادگرایی دو طرف دریای سرخ یعنی پیروان سید قطب و وهابیون با هم تلاقی پیدا کردند.

---

۱. Ibid, P ۶-۷.

بعد از اشغال افغانستان توسط شوروی، وهابیون به پاکستان مهاجرت کردند که در نتیجه آن با افکار مودودی نیز آشنا شدند. "مدب" معتقد است که دو نفر از کسانی که بیشترین تأثیر را در به وجود آمدن سازمان القاعده داشته اند، مودودی و سید قطب هستند.

تنها تفاوتی که این دو نفر را از همدیگر متمایز می کند، نحوه اعلام جهاد و فراخوانی برای جنگ می باشد. در حالی که مودودی در نوشته هایش تنها به آن اشاره می کند، ولی سید قطب به شدت بر جهاد و استفاده از زور برای رسیدن به هدف تأکید می کند. (۱)

---

۱. Ibid, P ۱۰۱-۱۰۵.

جهاد مفهوم دیگری است که به عنوان مشروعیت دهنده خشونت استفاده می شود. بنیادگرایان اسلامی از این واژه به عنوان وسیله ای مؤثر علیه دشمنان خود و برای جنگ با آنها استفاده می کنند. بعضی ها نیز از آن به عنوان رکن ششم دین یاد می کنند. در حالی که در گذشته جهاد اکبر مبارزه با نفس بود، اما امروزه آن را جنگی بیرونی علیه دشمنان جامعه و به عنوان نوعی استراتژی برای گسترش اسلام و استقرار نظام واقعی اسلامی بر اساس شریعت، قلمداد می کنند. (۱)

---

۱. Zeidan, Op. P ۲۸-۲۹.

شخصی که اولین بار واژه جهاد را جزو ارکان اصلی دین قرار داد، ابن تیمیّه بود. به نظر وی جهاد بر حج، نماز و روزه برتری دارد و کسانی که در جهاد شرکت نکنند، کافر به حساب می آیند. (۱)

---

۱. Ibn Taymiyyah, "The Religious Moral Doctrine of Jihab". available at:

<http://www.s.Ullivan-county.com/z/tay.htm>.

در عصر حاضر نیز کسانی که به طور مبسوطی به این واژه پرداختند و آن را وارد ادبیات سیاسی کردند، ابوالاعلی مودودی و سید قطب می باشند. مودودی جهاد را به عنوان نبردی انقلابی برای اجرای دستورات خداوند بر روی زمین تشریح می کند. وی معتقد بود که همه مسلمانان وظیفه دارند تا برای ریشه کنی ظلم و ستم از روی زمین جهاد کنند. (۱)

---

۱. David Zeidan, "The Islamic Fundamentalists View of Life az a Perenial Battle", Middle East Review of International Affaires, No.۴, P ۲۶-۵۳ (December ۲۰۰۲) P ۴۲.

با این حال کسی که جهاد را وارد ادبیات گروه های نظامی اسلام گرا کرد، سید قطب بود. از نظر وی مسلمانان واقعی آنها هستند که "در راه اعتلا و برتری کلمه حق \_ نام خدا \_ به جهاد مشغول اند." (۱) قطب جهاد تدافعی را قبول نداشته و معتقد است کسانی که جهاد در اسلام را تنها دفاعی می دانند، شرق شناسانی هستند که می خواهند ماهیت اسلام را تغییر دهند. (۲)

۱. سید قطب ، ما چه می گوئیم ؟ ترجمه خسرو شاهی ، چ ۲۲ ، تهران ، پ ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۷۲ ، ص ۳۹ .

۲. Sayed Qutb, Milestones, Ch. ۴, available at:

[http://www.youngmuslims.ca/online\\_library/books/milestones/hold.asp](http://www.youngmuslims.ca/online_library/books/milestones/hold.asp).

حمله شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ باعث شد تا علمای اسلامی علیه شوروی اعلام جهاد کرده و آن را به عنوان حمله به دارالاسلام معرفی کنند . (۱) در این میان شخصی که نقش کلیدی داشت " عبدالله اعظم " تئوریسین اصلی القاعده بود .

---

۱. gilles Kepel, Jihad: The Trail of political Islam, Trans. By Anthony Roberts

(Massachusetts: Harvard University Press, ۲۰۰۲) P ۱۳۸-۱۳۹.

وی به نقل از ابن تیمیه اولین وظیفه مسلمانان بعد از ایمان را جهاد و دفاع از سرزمین های اسلامی می داند ، بنابراین معتقد است جهاد مهمترین وظیفه ای است که در عصر حاضر به دست فراموشی سپرده شده است و علت اصلی وضعیت فلاکت بار مسلمانان عمل نکردن به جهاد می باشد . (۱)

---

۱. Abdullah Azzam, Defense of Muslim Lands, Ch. ۴, available at:

<http://www.inislamwatch.Oeg/texts/azzamdefense/auk.html>.

اندیشه های اعظم از طریق اسامه بن لادن در سازمان القاعده تجسم یافت ، به عبارت دیگر تنها کسی که بیشترین نقش را در رادیکالیزه کردن جهاد داشته است ، بن لادن می باشد . او بر خلاف پیشینیان خود کشتن غیر نظامیان ، شهروندان عادی و حتی مسلمانان را جایز شمرده و به آن عمل کرد .

بن لادن نیز هم نوا با ابن تیمیه اولین وظیفه مسلمانان بعد از ایمان را جهاد می داند ، وی جهاد را تهاجمی و برای تثبیت حاکمیت خداوند بر روی زمین دانسته و آن را جنگ مقدسی می داند که مشروعیت دارد . (۱)

---

۱. Bin laden, "Declaration of War Against American Occupying The Land of The Tow Holy Places",

(۲۶-۸-۱۹۹۶) available at: <http://www.azzam.com/html/articesdeclaration.htm>.

نتیجه گیری :

همانطور که ذکر شد به طور کلی سه دسته از نظریات در مورد علل شکل گیری القاعده وجود دارد ، دسته اول این سازمان را در چارچوب تئوری برخورد تمدن های هانتینگتون عنوان کرده اند . دسته دوم نظریاتی بودند که شکل گیری القاعده را بیشتر نتیجه شکست مدرنیزاسیون دانسته اند .

با توجه به نظریات مطرح شده در گروه سوم و نیز پژوهش حاضر ، چهار متغیر در به وجود آمدن القاعده نقش داشته اند که در قالب نمودار مدلی تحلیلی زیر اراده می شود :



